

درین صورت طریقی باری نمورد و کسی از خوردن کچک پخته می شود و کسی را از خوردن سیاب کبیل هم پیش ازین
 کسی را بدون خوردن مقدار نامدانی سیاب جوشش دهن نمیشود و کسی را از نوشیدن بگنیشیا سلفاس سال
 نمیشود اما بطور افیون خورده در نوم کثیر و خنودگی مبتلا میگردد و کسی را از خوردن افیون اسهال جاری میشود و این دو
 بود که قبض سبب تشنج عضلات قاضیه بوده باشد پس درین کس هرگاه افیون بخورد و از تشنج رفع میگردد اسهال پیدا
 میشود و درین قبض است اختلاف عمر که از آنم بدن زیاده و کم تاثیر میشود و تاثیر زهر بطور مختلف ظاهر میگردد و مثالی اینست
 رسم الفار در سن طفولیت کم موثر میشود و در سن شباب زیاده و جلد تر بکاک میکند همچنین از خوراکیها در اطفال
 جوشش دهن کثیر پیدا میشود و در شبان بزودی ظاهر میگردد و گاهی استعداد مدنی سبب امراض مهم مختلف میگردد و در این
 تاثیر عموم در آن مختلف میشود چنانکه در ثانیس قوی را تا مفاد ظهور با کجمله زهر مرض که ضعف و کمزوری زیاده پیدا
 میشود در آن شراب و زرد و پیغمخته دیگر هم مقدار زیاد مینوشانند و از آن سکر قوی و ظهور قوت زیاده نمیشود و بخلاف
 آن اگر اینقدر شراب صحیح را نوشاند بیوش خواهد شد و درین وقت پیش اینست که از فروا ضعف تاثیر آن کم ظاهر
 میشود چنانکه هرگاه شراب را قبل گذشتن نصف روز نوشاند تاثیر قوی از آن ظاهر میشود و اگر قریب شام که بدن از کثرت
 کار و بازیه شده باشد بنوشاند کم تاثیر میکند کذا در دلیسیم زمینس فیون قبیل را با انگور جمعی شینس که از نیم است
 نیم نیم اونس بعد یک ساعت مینوشانند و از آن کدام ضرر پیدا نمیشود بخلاف آن اگر این مقدار زهر خور
 را در عالم صحت دهن یعنی از بند شدن حرکت قلب شراب آن بکال خواهد شد همچنین در مایا افیون را از فرج گرین تا از
 گرین مینوشاند و گاهی تا پهل گرین هم داده اند لیکن از آن مرض بک نمیشود و گاک در امراض عصبیه مثل کزاز
 و پایتد و فویا ادویه مخدره و آرام رساننده و خواب آور مثل پایتدیت کلورل و پرو مایتدیتا هم مقدار زیاد
 بار بار میدهند و از آن کدام ضرر ظاهر نمیشود و الایضا باید دانست که گاهی بسبب نوم و نقطه هم تاثیر زهر مختلف میگردد
 مثلاً اگر کسی زهر خورد و بخواب رود و در بدنش تاثیر زهر در زمان کثیر ظاهر خواهد شد زیرا که دوران خون در حال نوم
 بطی میباشد و ازین سبب زهر از معده بسوی خون کتر میرود و در حال قیظ امر بالعکس است و هم باید دانست که گاهی قبل
 یک قسم زهر مخالف فعل قسم دیگر میباشد و درین وقت از خوراکیها قسم ثانی تاثیر زهر قسم اول که پیشتر خورانیده شده
 کم میگردد چنانکه از خوراکیها افیون که زهر مخدر است و ازین صحت را کم میکند تاثیر زهر ازین پدید آید که
 رسم الفار است کم میشود فتکاک فصل ثالث در بیان انواع سموم بدانکه تنوع و تقسیم سموم گاهی بسبب
 عقاقیر جسمیه آنها کرده میشود چنانکه بیگوند انواع سموم سه اند نباتی و حیوانی و معدنی و گاهی بسبب افعال آنها
 تقسیم و تنوع کرده میشود و این بهتر است با کجمله سموم یعنی جنس سم باعتبار افعال خود بر سه نوع تقسیم میشود
 اول ازین جهت بکسر الف و رای سله کسوره شده و سکون بای تخمائی مشناه و فتح تالی هندی و سکون تالی

ن کسکه از خوردن بگنیشیا سلفاس سال نمیشود بلکه در نوم کثیر و خنودگی مبتلا میگردد

فصل ثالث در بیان انواع سموم

هندی تالی که بینی بوزی و زیاد کننده حسن است دوم نار کاکلیک فتح خون و سکون رافت و برای همله و فتح کاف و سکون
 و کسرتای هندی و سکون کاف که بینی کم کننده حسن و محض است سوم نار کاکلیک اواری منش که فتح خون و سکون رافت و
 برای همله و فتح کاف و سکون رافت و کسرتای هندی و سکون کاف و ختم رافت و سکون و او و کسرتای هندی و کسرتای هندی
 شده و سکون برای مثانه تحتانی و فتح تالی هندی و سکون خون و تالی هندی یعنی جلیق مولد راقیت و کم کننده حسن است
 فصل چهارم در بیان نوع اول و ثانیه است بر چه بیان بتیان اول و در ذکر اقسام نوع اول و علائم
 و معالجات آن بطور عام اما نوع اول که از بی تشنجهی مولد ازیت است پس آن چه که در زم و اذیت بر محل و رود خود
 پیدا میکند لهذا با اسم اری منت که بینی بوزی است نام کرده شد و آنهم بر سه قسم است قسم اول بولکل وادی تشنه یعنی ناکه
 بر محل خاص که بر آن وارد میشود و آنرا بلغمت اگر بزی که زوف بضم کاف و برای همله و سکون و او و کسرتای هندی و سکون
 ناکه یعنی اکل هم نامند و آنرا کرون آن بر جلد ورم و زخم پیدا میشود و آن شامل است از منس الی سید سلفیورک ایت
 و غیره اما چه از طلا کرون سلفیورک ایستد بر جلد زخم پیدا میشود و اشیای الکلی یعنی کفار شکل کائیک چاشمش
 و کاشک سو داهم ازین قبیل از قسم دوم هم پهل ازی منت و آن دوی و چیزی است که از آن آهبا ورم پیدا میشود
 مودی بجا حث نمیکرد و آن شامل است جمله ادویه مسهله تویر را خواهد نمانی باشد مثل و غیر جنب السلاطین و غیر
 سید شجیر و مقویا و غیره یا معدنی بود مثل سکنجید سلفاس چه از زیاد و بی در پی خورند این آنها ورم حده و در معا
 پیدا میشود و قسم سوم چیزی است که بعد و رود در بدن بر عضه خاصه تر شود چنانکه اگر کت و سا بنها در رحم اذیت پیدا
 میکند و ایو دین بر روی کس سبب آن اعضا اذیت میرساند و زارتی در کرده و مثانه اذیت میرساند و حکم الفار زیاد
 بر اساموثر میشود و اسرب بر عضلات دست مؤثر گردد و مثال آن ادویه مخصوصه با عضای خاصه یا مانند
 آنها ازین قسم اند العلامات عموما هر گاه این نوع هم خورد میشود آنچه علامات پیدا میشوند یکی از آن درد و حرقت
 و ضیق است که در کله پیدا شود و بسبب آن از زیاد شوار میگردد و دوم آنکه بمقابل معده یعنی بجای معده که محل
 ورود دوا و زهر است در و عادت میشود و چون بر محل در و غمز میکند این در زیاد میگردد و سوم آنکه عطش بسیار
 شدت میکند چهارم تهوع خارج شود و بعد آن قوی آید و بعد آمدن قوی در و تمام که عام میگردد و پنجم آنکه بعد از
 اسهال جاری میشود و وقت آمدن اسهال در معای مستقیم و بر محل تعداد اذیت پیدا میگردد که اگر بلغمت اگر بزی
 من از مزیکسرتای هندی و سکون خون و کسرتای هندی و سکون زای هجر و فتح سیم و سکون زای هجره یعنی گویید و بسبب آن
 مریض پیدا کند که با اسهال می آید و باین امید و انتظار زور و وقت خود را برای آمدن اسهال صرف میکند لیکن بر زاری
 و آخر بجای آن قدری خون و مخاط خارج میشود ششم آنکه بل بشتواری و باور کرده یا مثانه می آید و این علامات
 گاهی شدت بوزد و گاهی بخت اما اگر شدت بوزد آن حالت موسوم به کلا پس بزودی پیدا میشود و اگر خف

فصل چهارم در بیان نوع اول و در ذکر اقسام نوع اول و علائم و معالجات آن بطور عام

باشند از آن همی در می سوسوم با انعام میبری فیور پیدا میگردند پس اگر دوی اکال مثل سم الفار و غیره خورد شده باشد
در آن سخن هم در قی و اسهال خارج میشود و ازین مرض یا در حالت کلابس که ضعف حرارت و قوت ستی میبرد یا در وقت
از زیاد تشنج یا بسبب اذیت و شدت در درفته رخمت ضعیف شده جان بحق تسلیم میکنند و یا از نایابی غذا که سبب
منیق و در دگلو خوردن نمیشود میبرد با کمال چنان بین سم خورده میبرد و تشنج کرده شود وقت تشنج اثر این میزند و در
اعضای باطنه آن یافته میشود با نیکه میوکس میبرد و غیره غلیظ و سخی میباشند و هم اکثر بالای آن لغیم غلیظ یافته
میشود و گاهی این هم که در اعضائی باطنه آن بود چنان قوی میباشد که بجز گریگین یعنی فساد و موت عضو میرسد اگر
قسم اکال خورده باشد زخم هم در میوکس میبرد حلق و مری معده و معده و امعا یافته میشود و چون زخم در معده واقع
حادث شود خون هم درین جا با موجود جمع دیده میشود و گاهی درین حال بقدر نفی معده با امعا هم مشاهده میگردد که
بسبب آن غذا در معده و امعا قرار نگیرد و از آنها خارج شده در خشای آبدار شکمی افتد و علاج عمومی آن علاج است
که هرگاه ثابت شود که کسی ازین نوع اول غم چیزی خوردده است اول از امتیقات مثل اسپکا کوانا یا خردل محوق یا
نمک آب ساد و نگوم حل کرده نوشاندند و اگر از نیم چیزی میبرد و آب گرم تنها مقدار زیاد نوشانیده می کنند اگر
قی نیاید از سرگشت سبب یا از سرشش مرغ یا کبوتر بر محل کام دفع فریاد کنند تا قی باسانی آمده زهر همراه آب مشروب
در قی خارج شود و معده از آن صاف و خالی گردد و اگر اشکاک پنپ که بکبر الف و سکون شین معجزه کسرتای هندی
در قی هم و سکون کاف و فتح بای مومعه فارسی اول و سکون نون و بای مومعه فارسی ثانی قسمی از ذرات گردن در دست
که از آن معده را می شویند و صاف میکند موجود باشد سر آنرا در معده داخل کرده از آب ساده بنزید آن معده را
مکرر بشویند تا از زهر مشروب صاف شود لیکن هرگاه زخم در حلق و کام و مری معده یا در معده بود چنانکه از نوشیدن
ادویه سینه اکال مثل سلفورک ایستد درین مواضع زخم پیدا میشود درین وقت سر آنرا مذکور را در معده داخل نه سازند
و الا خوف است که در محل زخم که در معده است از سر زرافه نقشه پیدا خواهد شد با لجه بعد بر آوردن قی و صاف کردن معده
از زهر اششای رقیقه لازم است که مثل شیر و آب یا روغن کهنجد یا روغن کنان همراه آب ساده آمیخته یا العسبه مثل
عسب اسغول یا آب صمغ عربی یا آب کثیرا مکرر بنوشانند تا اذیت میوکس میبرد معده رفع شود و بعد اطمینان از
اخراج سم و از ام رسائی میوکس میبرد معده سهل خف نشاندند تا آنچه در امعا رسیده باشد بنزید اسهال از آنها
هم خارج شود و برای این کار روغن سید نخیر همراه شیر از مسهلات دیگر بهتر است باقی بجه آن آنچه ادویه که از قسم دفع
هم زهر حاصل اند و برای دفع مضار هر دو را همراه آن مذکور میشود تا آنها را بر محل مناسب مخصوص بردوا با احتمال
آزند و باید دانست که ادویه دفع تاثیر سم را بعربی فاو زهر میگویند اگر از قسم ادویه مفرد بود مثل زهر صرغیه یا
و اگر از قسم مرکبات بودند مثل تریاق اربع یا تریاق فاروق یا مشر و دیطوس آنرا با سم تریاق مخصوص و موسوم میزند

در قی

و گاهی تریاق را مرکب و مفرد هر دو اطلاق میکنند و بزبان انگلیزی این اسم را که صورت و فعل آن عناد صورت و فعل
 نیز باشد از شی و ژوت قطع الف و سکون نون و کسرتای هندی و سکون مای ثناته تحتانی و منجم وال هندی و سکون
 و او و تالی هندی نامند بیان دوم در ذکر اقسام منرال ایست و علامات و عمل آن خصوصاً
 بدانکه از اقسام منرال ایست سلفیورک ایست و ناسکرل ایست و میوریکل ایست و زیاده در کاند بهر نوشی می آید زیرا که
 این هر سه چونکه در کار غیر علاج ابدان هم مستعمل اند لهذا اهل مناعت مس سازی و طبع کاری و غیره از ارباب اصلاح
 خرید می نمایند و ازین سبب در وضعان را هم بسهولت میسر میشود ولی احتیاطان آنرا کسی که از ان قناعت و دشمنی
 میبازند میدهند و دیگر اقسام آن مثل فاسفورک ایست و غیره پس چون بکار اهل مناعت دیگر که غیر طبیبانست
 می آیند لذت اهرس را میسر نمیشوند و هم اکثر ذرات این صیقل کرده فروخته میشوند ازین سبب هم تاثیر آنها ضعیف
 میباشد بالجمله از اقسام شسته مذکوره هم سلفیورک ایست و زیاده بکار هر دو هنگامی آید و در ولایت بعضی این را در وقت
 خفتن در زمین می که اراده قتل کردن آن دارند می اندازند و گاهی در وای مشروب بعضی ابطور اخفا مینوشانند و
 گاهی در گوش خفته می اندازند تا زخم پیدا شده هلاک گردد و گاهی بر روی زنی که از ان دشمنی داشته باشند می پاشند
 تا زخم پیدا شده خون آن بر باد رود و گاهی در صینه زن بطور زرق می پاشند و علامت منرال ایست ازین است که
 چون آنرا بر پارچه سیاه اندازند سیاهی آن بر طرف شده قدری سرخی بجای آن پیدا میگردد و چنانکه از اضمات ان
 انگر بر پارچه چایکه افتاده آنجا نخر ضایع میگردد و همچنین از افتادن قطرات آن پارچه بوسیده و ناقص میشود و اگر کاغذ
 یلبنی را که از ان امتحان اهل میکنند منرال ایست را خسته بر آردند و به بیند رنگ آن سرخ میشود و هر پارچه رنگی
 که منرال ایست اندازند رنگ آن متغیر میگردد و علامات چون منرال ایست کسی نوشانیده میشود فوراً قوت
 و سورش با درد در بدن و حلق و معده آن پیدا میگردد و بعد آن خاصه در معده شارب هم مذکور در شدت حادث
 میشود و بعد آن شای کثیر آید و هوا از معده خارج میگردد و عقب آن تهوع شروع شده قی می آید و در ان اجزای
 سیاه رنگ یا قدری سرخی باطل بسیاری که ان اجزای دمویا اند که از زخمی شدن میوکس سیرن معده بر می آید و علاوه
 قی خارج میشوند و گاهی همراه آن غنم غلیظ هم میباشد و گاهی اجزای میوکس سیرن و گاهی خود میوکس سیرن سده
 یا حلق بر می آید و از درد شوار میشود و گاهی مطلقاً مکن نبود که چیزی را طبع کند و خورد و نشنگی زیاد میباشد و بعضی
 پیدا گردد و بول قلیل می آید یا مطلقاً نمی آید و چون برای تیزی نشیند بر زنی آید لیکن در معای سقیم و قوی مقید
 اذیت که در انگیزی آنرا این از مز میگویند و مذکور شد پیدا میشود و کک بول هم نمی آید لیکن برقم شانه و در مجرای
 بول اذیت محسوس میشود و نبض ضعیف میگردد و حالت مشابه بکلا پس پیدا گردد و اعراض و جبهه خون مردن از شوره و
 روی غلیظ ظاهر میباشد و در تنفس هم دشواری پیدا میشود و چون خواهد که نفس کشید مکن نبود بلکه نفس ضعیف میگردد

بیان دوم در ذکر اقسام منرال ایست و علامات و عمل آن خصوصاً

و بعد میگویند مہربن معده نقطہ ای سیاه از خون برود کہ از عروق خندار بر آمدہ می میرد صاحبان یافتہ میشوند و گاہی بر قطعہ کبیرہ از میگوئیں مہربن معده رنگ سیاه محسوس میشود و گاہی در میگوئیں مہربن قصبہ بر ہم قریب خجہ ورم در نقطہ ای سیاه مثل میگوئیں مہربن معده یافتہ میشود و ہر گاہ بسبب شدت گرگی و نایابی تداومی مہربن معده میگوئیں مہربن معده ورم مہربن مہربن غشای متقلص بر زمین چنانکہ بعد صحت زخمهای اعضای بیرونی بر محل جرمات دیدہ میشود معلوم میگردد و لیکن فریب ہم گاہی بقبضہ در معده دیدہ شدہ العلاج باید کہ بعد نوشتن سم مذکور اول پنج علاج عام برای مہربن معده نوشتہ شدہ آنرا بعمل آرد تا زہر خارج چر شود لیکن در پنج ہفتہ شکستہ ہر روز معده زہر را داخل سازند و بعد فرغ از علاج عام پنج فاونہ ہر سم مذکور است آنرا کہ مہربن معده و بہترین ہمہ در اینجا سکر است پس باید کہ آنرا با آب سادہ آمیختہ بہت کسر محو صفت زیاد کردہ نوشتہ شدہ آب سادہ ہمراہ آن زیادہ آمینند والا خود بسبب حدت و کثرت محو صفت خود گاہی خراش در معده و اسهال پیدا میکند آب میوئی کندی آب سادہ بقدری آمیختہ گرمی آن مرغوب باشد نوشتہ شدہ و بار بار این تریاقات آنرا نوشتہ شدہ تا در اعراض خفت ظاہر شود و بعد ظهور خفت اعراض آب صغیر عربی را ہمراہ کدر محو صفت آمیختہ نوشتہ شدہ الضمالہ روغن خربازہ شیرین با روغن کچھہ ہر آنچہ کہ میسر شود بقدر نیاز آب بار بار ہمراہ آب سادہ آمیختہ نوشتہ شدہ و محو صفت قلیل مثل آب نارنگی یا آب انار میوش ہمراہ آب سادہ نوشتہ شدہ و اگر ورم بارد در معده پیدا شدہ با شہ موافق ہدایت علاج ورم جار علاجش سازند و چون در معده شدت کند افیون خورائند و اگر افیون در معده قرار بگیرد و ہمراہ فی وضع شود آب حل کردہ بزرگیہ زرا قہ در معارسانند و اگر ضعف و کمزوری با الجملہ علامات کلابس پیدا شوند درین وقت از ویہ حرارت اعراض عبارت از منغصات حرارت غیرتی مثل ویہ شراب یا ایویا کارناس برای بخت شراب در آب حل کردہ در معارسانند از راہ معده نہ ہند کہ آنہم اعلی است چنانکہ بیشتر نوشتہ شدہ بیان چهارم در ذکر قسم دوم از نوع اول کہ موسوم بہ سیمالری غنط است و آنہم تقسیم بہ پشت قسم اول در بین الیہ بکسر و او و جیم کسورہ و یای ساکنہ خفیفہ و قح تالی ہند سے و یای موحہ و سکون لام کہ بعضی ترخی یا ایسڈ نباتی است دوم الکلائین سالت و الکلائین اتر سالت و الکلائین سالت بفتح الف و سکون لام و فتح کات و لام و سکون الف و کسر ہزہ و سکون لوزن کہ فتح سین ہلہ و سکون الف و لام و تالی ثناتہ فوقانی است و آن چیزی را گویند کہ از آنہم اعلی بعضی کھا مثل پیاس بای کارناس با شمی عارض مثل لیکر ایسڈ عادت میشود کہ آن نامہ سیمالری است و الکلائین اتر سالت بفتح الف و سکون لام و فتح کات و لام و سکون الف و کسر ہزہ و سکون لوزن و کسر الف و سکون رای اکلہ و تالی ثناتہ فوقانی و ہای ہوز فتح سین ہلہ و سکون الف و ہم سکون لام و تالی چہ

مہربن معده و مہربن کبیرہ از میگوئیں مہربن معده رنگ سیاه محسوس میشود و گاہی در میگوئیں مہربن قصبہ بر ہم قریب خجہ ورم در نقطہ ای سیاه مثل میگوئیں مہربن معده یافتہ میشود و ہر گاہ بسبب شدت گرگی و نایابی تداومی مہربن معده میگوئیں مہربن معده ورم مہربن مہربن غشای متقلص بر زمین چنانکہ بعد صحت زخمهای اعضای بیرونی بر محل جرمات دیدہ میشود معلوم میگردد و لیکن فریب ہم گاہی بقبضہ در معده دیدہ شدہ العلاج باید کہ بعد نوشتن سم مذکور اول پنج علاج عام برای مہربن معده نوشتہ شدہ آنرا بعمل آرد تا زہر خارج چر شود لیکن در پنج ہفتہ شکستہ ہر روز معده زہر را داخل سازند و بعد فرغ از علاج عام پنج فاونہ ہر سم مذکور است آنرا کہ مہربن معده و بہترین ہمہ در اینجا سکر است پس باید کہ آنرا با آب سادہ آمیختہ بہت کسر محو صفت زیاد کردہ نوشتہ شدہ آب سادہ ہمراہ آن زیادہ آمینند والا خود بسبب حدت و کثرت محو صفت خود گاہی خراش در معده و اسهال پیدا میکند آب میوئی کندی آب سادہ بقدری آمیختہ گرمی آن مرغوب باشد نوشتہ شدہ و بار بار این تریاقات آنرا نوشتہ شدہ تا در اعراض خفت ظاہر شود و بعد ظهور خفت اعراض آب صغیر عربی را ہمراہ کدر محو صفت آمیختہ نوشتہ شدہ الضمالہ روغن خربازہ شیرین با روغن کچھہ ہر آنچہ کہ میسر شود بقدر نیاز آب بار بار ہمراہ آب سادہ آمیختہ نوشتہ شدہ و محو صفت قلیل مثل آب نارنگی یا آب انار میوش ہمراہ آب سادہ نوشتہ شدہ و اگر ورم بارد در معده پیدا شدہ با شہ موافق ہدایت علاج ورم جار علاجش سازند و چون در معده شدت کند افیون خورائند و اگر افیون در معده قرار بگیرد و ہمراہ فی وضع شود آب حل کردہ بزرگیہ زرا قہ در معارسانند و اگر ضعف و کمزوری با الجملہ علامات کلابس پیدا شوند درین وقت از ویہ حرارت اعراض عبارت از منغصات حرارت غیرتی مثل ویہ شراب یا ایویا کارناس برای بخت شراب در آب حل کردہ در معارسانند از راہ معده نہ ہند کہ آنہم اعلی است چنانکہ بیشتر نوشتہ شدہ بیان چهارم در ذکر قسم دوم از نوع اول کہ موسوم بہ سیمالری غنط است و آنہم تقسیم بہ پشت قسم اول در بین الیہ بکسر و او و جیم کسورہ و یای ساکنہ خفیفہ و قح تالی ہند سے و یای موحہ و سکون لام کہ بعضی ترخی یا ایسڈ نباتی است دوم الکلائین سالت و الکلائین اتر سالت و الکلائین سالت بفتح الف و سکون لام و فتح کات و لام و سکون الف و کسر ہزہ و سکون لوزن کہ فتح سین ہلہ و سکون الف و لام و تالی ثناتہ فوقانی است و آن چیزی را گویند کہ از آنہم اعلی بعضی کھا مثل پیاس بای کارناس با شمی عارض مثل لیکر ایسڈ عادت میشود کہ آن نامہ سیمالری است و الکلائین اتر سالت بفتح الف و سکون لام و فتح کات و لام و سکون الف و کسر ہزہ و سکون لوزن و کسر الف و سکون رای اکلہ و تالی ثناتہ فوقانی و ہای ہوز فتح سین ہلہ و سکون الف و ہم سکون لام و تالی چہ

تثناة توانی آن از اکل آن سالت ضعیف است یعنی کسار در آن قلیل است مثل آب و شب سوزان است
 قویه نباتیه مثل حلیب و حب السلاطین و ستمو نیا چهارم ادویه نباتیه که از قسم بذرات عینت بول مثل سوسن
 و روغن نارچین اندیم پنج اجسام از تقطیر وقت کشیدن عرق پیدا میشوند مثل میوزسل او انیل که قسمی
 از روغن است که وقت کشیدن شراب در آن پیدا میشود و هم روغن نارچین و کرباسوین کار بولک ایست
 ازین قبیل اند که بطور عرق کشیده میشوند ششم هر تخم نباتی که بسبب مرض خود فاسد شود مثل ارگت آت زاسی
 تخم ارگت که بسبب مرض در آن زهر پیدا میشود و آن بر اعضای مخصوصه مثل رحم و تخلع تاثیر خود میکند
 هفتم پنیل ازی منشفع العت و کسرون و سکون پای تثناة تختانی و قمع میم و سکون لام یعنی مودی حیوانی
 مثل زرایع و غیره هشتم هوای مودی مثل هوای که از سوختن زغال پیدا میشود یا از تاشکر است و بر یواک
 برمی آید تا هم اقل ازین اقسام هستند که آن و قبیل ایست در آن شامل است برای تاشکر ایست
 و تاشکر ایست و میلک ایست و اوکسالک و تیتیکین ازین ایست نباتی از اینه سه ایست که بیشتر مذکور
 شدند و کار بهر کتری آید و هم تاثیر زهر از آن کم ظاهر میشود لیکن گاهی اینهم دیده شده که کار بهر میکنند
 اما هر گاه ازین ایستهای شکر بقدر نیم اولس از بهر که با شکر گرفته کسی نوشانند تا اینها را هم از آنها ظاهر
 میشود و علامات آن پیدا میگردند و اگر ازین مقدار کم نوشانند منتهی آن بابت حد غیر معمولین اگر ازین
 ایست کدای را گرفته با اکل آید زهر که بسبب آن قوتش ضعیف گردد درین وقت چون اکل از او در وقت
 تا چهار و نوس بنوشانند اثر زهر از آن پیدائی شود و بعد نوشانیدن این مقدار را البته آثار زهر نشانی عارض
 میشوند و علاج آن همان است که در علاج اوکسالک ایست نوشته خواهد شد انشاء الله اما ایست چهارم که اوکسالک
 بود پس آن زهر قوی است و اکثر در کار زهر نوشی آید باین نحو که با کسی بطور خود کشی خود آزمای نوشد یا بعلی بطور
 سهو بسبب مشابهت تام که با یگانشیا سلفاس میدارد بجای یگانشیا داده میشود و بالجه بعد نوشیدن آن بجه علامات
 که در حد پنجم دوم نوع اول که عمل کلی است پدید میشود که در اولی آن علامات آنهم هر چه در حد پنجم اول که ایست
 در همین ترتیب و در حلق و معده حرقه پیدا میگردد و هم در حلق منبج و عسر از در او حادث میشود و بر محل معده
 از عمر کردن درد محسوس میشود و بعد که نشستن مدت لیس بر خوردن آن فی می آید و تچه درتی دفع شود مثل بسیاری
 با در آن رنگ سیاه و سبز سرد و مختلط دیده میشوند و اگر مرض بزودی هلاک گردد و نوبت به جریان اسهال سرد
 در آنهم بسیاری و حضرت محسوس میشود و این مرض در حالت کلا پس جان سح تسلیم میکند و اگر برای دفع
 کردن درد که بر محل معده از عمر کردن محسوس میشود زو زو بر آن چنانند زوهای مذکور و هم فوراً می میرند و از آن خبر
 میشود که اوکسالک ایست در خون هم داخل شده و ایضا باید دانست که اگر چه آمدن قی و خروج قی اسود اللون

تثناة توانی آن از اکل آن سالت ضعیف است یعنی کسار در آن قلیل است مثل آب و شب سوزان است

در آن که آن خولین بجهت در منزل ایستد و انگلی و اوکساک ایستد هر سه شکر است و از آن آنرا از علامات مشترکه نوشته
 میشود اما فرق اینست که در منزل ایستد زخم در حلق و در می معده و معده میباشند و اینها در اجزای باطن
 مذکوره میباشد. العلاج اول آنچه در علاج عام هم نوشته شده با استعمال آنرا بعد از آن طبعه یا یعنی کله یا موی
 آب ساده مکرر هر قدر که ممکن باشد بنوشانند همچنین نوشانیدن آب آکه هم در اینجا نافع است لیکن دو یک در آن کله
 است زهر در اینجا زهر چو از آن محتمل انگلی با ایستد آنچه انگلی سوت پیدا خواهد شد در آن هم زهر میباشد پس استعمال آن مضر
 خواهد شد و هم در اینجا اشکاب منب لا و معده هرگز داخل نه سازند و الا از ادغال آن در میوس میسرین نموده قشنج پیدا
 شده در دوا ویت معده عادت خواهد شد اما قسم دوم که الکلائن سالت و الکلائن از تهر سالت اندیس بدانکه آنچه از
 الکلائن سالت کله زهری آید چهار چیز اند ما ستر چاقس یعنی ابقر کله از آبسته شوره گویند و سلفیت آف پاش که مسهل است
 و سلفیت پاش یعنی سلفیور پاشیم و کلوراید سوڈیم یعنی نمک طعام و اما آنچه از الکلائن از تهر سالت بکار زهری
 پس آن سه چیز اند اول سلفت آلومینا یعنی زاج که آنرا بوعربی شب میگویند دوم برائش سالت که آن نام اقسام است
 که مثل آبک باشد و آن را زنگ سازان بکار رنگ سازی می آرند سوم کلوراید افلام اما از الکلائن سالت که ما ستر چاقس
 است پس از مقدار قلیل آن که خورده شود مثلاً از دست گری تا نیم اونس آثار و علامات زهر نوشی در اکثر اشخاص که ظاهر
 میشوند لیکن هر گاه یک دوا اونس نوشته شود آن زمان البته علامات زهر نوشی پیدا میشوند لیکن نوشیدن آن
 بقدر مذکور اکثر بسبب وقوع سهو و غلطی میشود باین طور که بجای سلفیت آف سوڈا یا سلفیت آف میگنیشیا
 داده میشود و بعد خوردن آن باین مقدار علامات عام که براسه قسم دوم نوع اول نوشته شده اند پیدا
 میشوند و هم علاوه از آن علامات خاصه آن که بول الدم و ضعف قلب اند است پیدا میشوند زیرا که آن
 طلب زیاده تر میشود که آنرا غمز میکند و از آن ضعف دل عادت میگردد و علاجت همان است که در علاج عام نوشته شده
 اما سلفیت پاش پس اگر اونس مضر نمیشود و اگر یک نیم یا دو اونس از آن نوشانند البته اذیت و درد در معده و با
 پیدا میکند و علامات عامه زهر قسم دوم ظاهر میشوند و علاجت طلع عام است اما سلفید چاقس که آنرا باب کیمیا
 جگر کبریت می نامند آن به نسبت دیگر کربات کبریت بسیار زهر قوی است که نیم گرین آنرا در دیکه یکب میدهند و اگر آنرا به
 مقدار زیاد مثل ده یا پانزده گرین بنوشانند بعد خوردنش علامات عام که برای زهر قسم دوم نوشته شده اند عادت
 میشوند و هم علامات خاصه آن پیدا میشوند که آن گنگولشن یعنی شتیج اعضاست مثل شتیج که در معده عادت میشود و هم
 بیوشی طاری میگردد و هوای که از دهن بر می آید در آن عفونت مثل عفونت هوای کبریتی که از بیضه مستفین آید می آید
 و همچنین آنچه در اسهال که در آن می آید از آن هم بوی هضم مذکوره می آید و حدت این هم چندان قوی است که گنگولشن
 که بعد خوردن آن تا گذشتن ربع ساعت نجومی مریض بکاک شود و علاجت آنست که اول طلع عام نموده آنرا از

در کتب معتبره که در این کتب مذکور است از کتب کرامت و در آب ساده که بمقدار یک آتار باشد ملکه
 باره نوشته اند که این ادویه که از اهل کلبی کلبه را میباشند که آن زهر نیست و سلفر و سیوریا یک را از آن
 جدا میکنند و بسبب آن صفت و سمیت آن زائل میگردد اما کلبه را سید سویم پس از زیاد خوردن آنهم علامات
 خوردن زهر قسم دوم پیدا میشود لیکن علامت همان است که در علاج عام نوشته شده اما از آنکه آن آتار است که
 سلفیت اوستا یعنی زان است پس از خوردن آنهم علامات عامه زهر قسم دوم پیدا میشود و در علاج عام
 کافی است لیکن در نجاشنگ پنب را در معده فرود امل کرده از آب کثیر معده را بشویند یا آب کثیر نوشانی
 در پاره کنند تا سده شسته شود بعد آن آب آبی که زیاد نوشته اند که از آن زهر مذکور مرده میگردد و از آنست
 آبی که در معده با علاج سلفیت افلاکم پیدا میشود که آن زهر نیست و اما بر آنست پس از خوردن آنهم علامات
 عمده آنچه نوشته اند پیدا میشود و علاوه از آن علامات خاصه آنهم که در وادیت و طبع و شجاع و عصاب است
 پیدا شده تشنج اعضا مثل تشنج که در سینه و پائی میشود عادت میگردد و قوی بدنی که باضعیف میشود و خاصه در
 با صره ضعف زیاد و فوراً عادت میشود و در گوش آوازهای مختلف می آید و پیش قلب زیاد میگردد و چون که این قسم
 عمل برای سفید کردن دیوارها که در خانهها موجودند بسیار معاشان و بدو عثمان و ناعدا از زبان آنرا با آرد
 کاول آینه بخوراند و علامت بعد علاج علم آنست که سلفیت آن سوڈا یا سلفیت آت بکشد با آب ساده
 ملکه مقدار کثیر که زهر نوشته اند که آن تریاق این قسم است و در علاج عام آنهم قوی زیاد کنند و شنگ پنب را
 در معده در ملکه توسط آن از آب کثیر معده را بشویند اما کلبه را سید سویم پس از خوردن آنهم علامات
 عامه زهر قسم دوم پیدا میشود و علاوه از آن از بوی دهن بوی کلبه می آید و هم آنچه قوی یا اسهال که در آن پیدا
 میشود از آن هم بوی کلبه می آید و علامت همان است که در علاج عام نوشته شده فوراً در اخراج آن از بدن
 کوشش کنند فقط و اما قسم ثالث که آنرا گرفتند یعنی ادویه مسکه که سید که آن مثل لیموز و کالوسند
 جالب و اسکانی و حب لوز و حب السلاطین و روغن این هر دو اند و هم قسم چهارم که آنها ادویه غیر سهلانند
 از قسم مرات میض و بول و غیره مثل ساینیا و ما فزین و قسمی از قلعاس سورنجان و خربق اسود و ابض و غیره هم
 قسم پنجم که آن اجسام چند اند که وقت کشیدن عرق پیدا میشوند مثل فیوژل اوئیل غیره و همچنین قسم ششم که آن
 نباتات اند که در آن فساد و فتن پیدا شده باشد مثل ارگت آت رای پس از خوردن این اقسام از جبه هم هرگاه
 از مقدار مشروب مقرر خود زیاد خورده شوند اذیت در بدن پیدا میشود و علامات عامه زهر نوشی قسم دوم نوع
 اول که نوشته شده اند عادت میشوند و هرگاه علامات مذکور کثیر و قوی شوند از آن حالت موعده بکشد پس
 وسبب و غنودگی و تشنج اعضا و اذیت پیدا میگردد و علامت علاج عام است که نوشته شده و بعد علاج عام

در سلفیت اوستا و تشنج اعضا و تشنج سلفیت اوستا و تشنج سلفیت اوستا

در مخرج و در این اقسام اذیت هر چه میگویند میسر است تا این دو بلاکم سازه در مثل آتش و آب کثیرا مکرر نوشانند و هر گاه در این اقسام پیدا شود و اتفاق بدایت علاج و رسم عارضه ملاحظه فرمایند و چون حالت کلاهم وضعف قوت و حرارت بدنی پیدا شود و در وقت متوقّف منته بر حرارت مثل ایونی کار بنهاس یا نشاید برانند و غیره بنوشانند و هر گاه اذیت مثل درد و تشنج عضلات پیدا شود و در وقت که ایام صاف شده و دلغ و اضمحان اندک مثل ایون و مکررات آن و پرومائید بنهاس نوشانند تا تمام سکنی این اقسام منگنانه که مثل ایونی منتهای سم موزی جوی است پس اقسام آنهم کثیرانند یکی از آن زجاج است که آنرا بلخث اگر کسی کندانس کند در وقت گرمی و سوم کپتانی است که کثیری در باریک است مانند کنگی است که در اطفال کن حد میباشند و آنرا در علاج منکر بطور دوگانه ای بطور منکر از نقطه ثانیه قطره میوشتاند و گاهی بطور فماد آنرا بر باره آورده بر جلد بدن می نهند و گاهی از آنرا گویا دست کرده و در امراض بر جلد طلا می نهند و این هر دو قسم استعمال برای پیدا کردن آبله میباشند اما مردمان خدانایست پس گاهی هم نکور را بطور سفوف و زمانی بطور منگنانه و گاهی برای متعلق علاج گاهی برای پیدا کردن شپوت حمل در نسوان پیدا کنند و گاهی در مجال نسوان هر دو برای نخریه و منگنه می نهند تا شایب آنرا بار بار بول آید و بر این منگنه شود و بعد استعمال آن در علاج تاده قطره منگنانه و پنج کشش گرین سفوف است و چون زیاده از آن مثل اینک است یا سی یا پیل قطره یا کیزم منگنانه از نوشاندن تخمین سفوف آنرا از مقدار ضروری زیاده دهند از آن علامات زهر فوشی پیدا میشود و سپس بعد نوشیدن مقدار کثیر آن فوشه و وقت و دقیق در گلو پیدا شده بعد آن در معده هم سوزش حادث میشود و بعد از آن در میگویند میسر است جمیع شکم و امعاء این سوزش تمام میگردد و در وقت که می آید در طلق و درین منگنی پیدا شده منگنی غالب میشود و بلغم کثیر منخلط با خون درتی و اسهال برمی آید زیرا که از آن آبله در معده و اسهال پیدا شده قوی بالای میگویند میسر است معده و امعاء بصورت بلغم از آن زود و در شده خارج میگردد و بعد از آن در گرده هم در پیدا میشود و از آن تا زمانه این درده منگنی میگردد و در وقت که درده محسوس میشود و قبل کثرت او خارج میشود اما آنچه خارج میشود خون آلود و در وقت که ظاهر شود یعنی قصبه از اذیت آستانه میشود و در وقت که قصبه هم ظاهر میگردد و در مریض با کمال کرب و قلق میباشند و قصبه بد شواری میگردد و در وقت که در قلب می یا بندد که میگویند میسر است در وقت که این زهر میگویند میسر است که این زهر میگویند میسر است که ایام صفای بدن زیاده مؤثر میشود از آن در میگویند میسر است چشم هم سوزنی پیدا میشود و سیلان دموی ظاهر گردد اما علاج تا حال کدام فایده بر این هم ظاهر نشده لیکن این قدر تجربه ثابت است که کافور اذیت های این هم را کم میکند پس بعد خوردن آن آب کافور زیاده نوشاندن هم بعد خوردن آن فی زیاده نکند چنانکه در هدایت علاج نامم نوشته شده اما اشتکاپ راد و معده در اطفال سازند که اینها هم در میگویند میسر است معده زخم پیدا میشود و در حالت زخم استعمال آن جائز نیست و بعدتی کثرت و اذیت من پیدا شد مقدار زیاد بنوشانند و آب گرم ساده یا آب مطبوع کتان یا آبی که در آن صمغ عربی محلول بود نیم گرم بار بار در امعاء و مثانه بذرید و معده و زقاق تا نا طبری رسانند تا بسبب آن اذیت میگویند میسر است این امعاء طرف گردد و در

تنگی و پستی ای فزون محلولان به هم قدری همراه این که بهما تشکیک کنند زیاده و مفید می شود و هرگاه بعد از این مذاکره در دریا معالجاتی باشد
 ماریا از این گریه تا نیم گریه است و در معالجه قطره اول از این حیوانات دیگر از مثل صدف و بعضی اقسام سنگ مثل سنگ مسوم بیام که آن
 صورت را می باشد و در آن کثیر بود و در این بعضی اقسام سنگ که فلسه بر آن بود و این صدف در انما کتب علامت زهر نوشی پیدا می شود و مواضع
 سوی علامت مذکور به خوردن کم نشد خصوصاً بر جلد بدن ثور مثل ثور شری مدور و مغز کینه و خارش مسوزش پیدا می شود
 الاعلاج علامت است که در علاج مایه نشسته و سوخته آن محوم حیوانات آنکه در آن عفت تر و رخ شده باشد و به آن خورد
 شود خصوصاً لخم و مویز و اقسام دیگر که در آنما عفت بزودی پیدا می شود و در لخم سنگ صدف پیدا می باشد و از خوردن لخم عفت
 به تمام علامت زهر نوشی مثل علامت بیضه و بی از قسوی و اسهال حالت کلا پس از این شود و دیگر یکسب تجویز در وقت که اکثر سنگ را
 بعد از آن که در آنجا که در آن عفت بود تا به پیر شده و سنگ پس بعد از آنکه در آن عفت گشتن آنرا خورد و بدان که امضای ایشان
 حاضر می شود و لخم خوردن کم تخم هرگاه آنرا زهر نوشی پیدا شوند در علاج کثیر و در علاج علم تالیف نوشته شده اند با استعمال آن زمان تخم
 که نوی عفت سنگین است و به این عفت استند و اصل لخمی که از سنگ کینه قوی رخ رنگ وقت کشان طرف آن خارج می شود و تخم هوئی می شود
 در وقت سوختن که برت از آن پیدا می شود تخم هوئی که از این کینه که از کاسه پیدا می شود و علاج کرده و هرگاه لخم کلورین تخم
 ایونیا است پس کلاوین هوئی که از طرف برآمده در هوای مکانی مختلط و منتشر شده با سید و بیشتر در بیدار آن است در حلق هوئی چ
 و قصبه ری پیدا می شود از اذیت خلق سرفه می آید و از اذیت تبی غلبه متواتر و از اذیت تخم سرخی میسون میسرین تخم و سیلان موعود
 اذیت قصبه ری صفتی نفس پیدا می شود با الاعلاج اصل علاج آن است که در کورک مریض از جای که در هوای آن علاج مذکور و عملی شده
 در سازند و از مکان کورک مریض از آب ساده مضمونه که فرمایند و تخم و من و بی ابار بار از آن شود و تا حد آن که
 تخم قدیمی را با ساده سر بنوشانند و چون بیاز هوئی که از کاسه پیدا می شود یا با سید یا با سید یا کلورین پیدا می شود
 در حلق هوئی ایونیا را با آب ساده حل کرده و بیازند که در هوئی ایونیا می شود اذیت است و باشد در وقت سحر با آب ساده اینجاست بیازند که آن
 ما در هر هوئی است نقطه سیان تخم در کورک مریض نوع اول تخم که بعضی خاص می شود و در اذیت کورک مریض است و کورک مریض است
 بیگون یعنی هوئی عضو خاص از خوردن آن سحای علامت علامت زهر نوشی علامت خاصه نهام پیدا می شود و کورک مریض است و کورک مریض است
 اول استقرین مکبات آن هم ایونیا است که در کورک مریض است که آن هم الفاکه آنرا لخت کورک مریض است که در کورک مریض است
 مکبات آن تخم سیان که آنرا لخت کورک مریض است که در کورک مریض است که آن هم الفاکه آنرا لخت کورک مریض است که در کورک مریض است
 زهره ها چون سبته و کورم که قسمی از گل است که از آن گساران یک مدور و بهر بسیار از دهر لخت زهر نوشی است که در کورک مریض است
 اما مغزین آن هرگاه در معده از آن کورک مریض تا آنکه کورک مریض خورد شود از آن علامت زهر نوشی پیدا می شود و کورک مریض است
 که از این در معده لخم زهر نوشی پیدا می شود و کورک مریض است که از آن کورک مریض تا آنکه کورک مریض خورد شود از آن علامت زهر نوشی پیدا می شود
 قله زانو در خمیر کرده آینه قطعه های آنرا در مکان میگذارد تا موهن آن خورده میسرند پس ازین قطعات گاهی از ناضمی

بیان تخم زهر نوشی

اطفال با نادانان هیچ علامتی که بطور دهانی خورد و مقدار زیاد مقدار مقرر نیستند یا تا زمان دراز خوردن شود درین صورت هم آن را از زهر نونشی پیدا میشوند علامات هرگاه یکبار مقدار زیاد خوردن شود از آن علامات بطور اکیوت یعنی قوی پیدا میشوند باین طریقی که اول علامات عام ظاهر میشوند و علاوه آن علامات خاصه ظاهر میشوند مثل اینکه در دهن خوردن ذائقه سردی است یا قهقهه میشود و آنچه بول از زبان آن فرد برآید از آنهم را سینه سردی گویند که گاهی در وقت و اسهال خارج میشود از آنهم را یکباره سردی آید و خون مایع تر از فیضه اسهال را بر دست آید و یا در طرفی کرده در محل تاریک برین درازان درشتندگی درشتی مثل درشتندگی انگور ظاهر میشود و هم از نیت دماغ و نخاع و اعصاب از آن زیاد پیدا میشود و گاهی علامات در مرض مثل علامات کلب یعنی گزیده گب دیوانه میشود و گاهی بر حرام غرضی است پیدا میشود که از آن تنگی کمال نمی آید اگر فاسفورس را سفید اولی تاملت در آن بخوراند از آنهم علامات هرگاه بطور که آنیک یعنی ضعیف پیدا میشود مثل آنیکه مریض روز بروز لاغر میگردد و مبتلا در مریضی و اسهال میشود و در وقت پیدا میگردد و همچنین کسائیکه به نوحی و کاسلانی از فاسفورس بسیار زیاده بمرکز سیمبرن شیم و الفت و دهن ایشان در دو اذیت زبانه پیدا میشود و دندان زیرین که در ناک اسفل میباشد حرده و ماقاط میشود همچنین استخوان کلب اسفل مرده و متعفن میگردد و علامات چون مقدار زیاد آن یکبار خوردن شود علامات قوی پیدا شوند درین وقت اقل علاج عام ناید و هم در تجویز اشک بنب را در حده داخل کرده بزرگی آن حده را از آب صاف خوب بشویند و بعد آن با شیرینید آن میگنیشیا از چهار ڈرام تا هشت ڈرام در آب صاف عربی یا آب کشیر یا در آب مطبوخ گتان یا در آب شوی قسری با جلا میخچ که باشد بقدر یک آتا بود حل کرده بار بار از آن بنوشانند تا آمدن قی بر طرف شود و در علامات زهر نونشی زائل گردد درین وقت میگنیشیا سلفاس از چهار ڈرام تا شش ڈرام و میگنیشیا کاربناس از چهار ڈرام تا یک ڈرام با آب ساده حل کرده بنوشانند تا اسهال شود باقی اگر اعراض دیگر که مثل ورم و غیره بعد زهر نونشی پیدا میشوند در پی میشوند برای آن آنچه در علاج عام تدبیر اعراض نوشته شده اند آنهارا با استعمال زنده هرگاه علامت زهر نونشی بعد استعمال فاسفورس مقدار قابل تا زمان دراز یا از نخه سازی بطور ضعیف ضعیف پیدا شوند درین وقت اصل سبب را که خوردن فاسفورس در اوله آن بطور نخه سازی بود ترک کنند و بعضی از خانه که در آن نخه سازی میکرد و در جوابی صاف برند و علاج عام تقویت بدن و تدبیری نمایند اما ایو دین پس آنهم هرگاه زیاد مقدار مقدر مقدر خوردن شود و یا تا آن که خیر خیراتند باین طوری که روزانه یکبار از آن پاره دست قطره زیاد هر روزانه چند بار بنوشانند و همچنین گرا بود استپاس او دو سه هفته روزانه چهار بار پنج گرین خوراند از آنهم علامات زهر نونشی پیدا میشوند علامات اول علامات عامه پیدا شده بعد سوائی آن در دهن حدت و سوزش و سنگی محسوس میشود و آنچه در بول و اسهال بر می آید زرد رنگ و مختلط با خون بر می آید و هم چاره از خوردن ایو دین است

علاج هشامه و انوارات کامرینی

علامات پیدا میشوند در مویکس میسرین چشم و حتی سرخی کیفیت زکام ظاهر میگردد و در وجه ورم و انتفاخ ظاهر میشود
تشنگی زیاد بود و تنفس دشواری پیدا کرد و نفس سرخ و ضعیف میباشد لیکن بر همه علامات اخیر که از دیار
و دشواری تنفس و سخت نفس است هرگاه مقدار زیاد از یوژین یا یوژا سید یکبار نوشیده شود پیدا میشوند
و اگر کم مقدار آن تا مدت دراز خورده شود درین وقت علاوه علامات عامه زهر طلش قلب و ارتعاش و ارتعاش اعضا
پیدا میشود و در مجال خصی و در نسوان اودی و پستان نشان بخیر میگردد و در بطبات در اعضا مثل لعاب بن زیاد پیدا
میشوند و گاهی تشنج و خنثی پیدا شده استاده میشود و گاهی جگر هم کبیر و متورم میگردد و الم علاج اول علاج عام کرده
بعده سوژا کار بناس از نیمد رام تا یکد رام درده و از ده او نش آب ساده حل کرده بار بار از آن بقدر مناسب
نوشانند و اگر روغ آب ساده کثیر المقدار تجوی مل ساینده که رفیق مانده پس آنرا قدری قدری بجای آب مشروب کر
نوشانند هرگاه مقدار کثیر از سم مذکور یکبار خورده شده باشد درین وقت بندر یه ششک پنب محده را از آن جان
نشیند قتل اکثر آمار سنگ و مرکبات آن پس هرگاه از مسموم معذیه این سم قوی تر است و در کار زهر نوشی زیاد
باستعمال این چند وجه اول نیکه چون این دو در علاج امراض انسانی و هم در کار رنگ سازی و غیره صناعات
استعمل میگردد ازین جهت زیاده فروخته میشود و در جاهای بسیار یافته میشود و دوم آنکه رنگ خاص و بود و تیره
قوی ندارد ازین سبب آنخین آن اکثر اشیا سهل میشود و بالجملة اکثر دستگرن آنهم خرابی غیر متعاد با کل آن
قابل مهلک میشود در قلاهی معده اما هرگاه در معده غذا باشد درین وقت مقدار از آن مؤثر برای قتل میشود
چنانکه کاسبه دیده شده که از نیم او نش تا یکیم او نش نوشانیده شد و بسبب اینکه در معده غذا بود از آن کلام
ضرر ظاهر نشد بلکه چون بعد آن قی فوراً شروع شد همراه غذا تمام و کمال خارج گردید و شراب آن از بلاکت محفوظ
ماند علامات چون هم الفنا خورده شود قریب و در کسباعت بر آن اول در مقابل معده محسوس گردد و این درد
از عمر کردن زیاد میشود بعد قی می آید و از آمدن قی در مذکور تمام شکم عام میگردد و در ورم در شکم ظاهر میشود
و از مس کردن بدست در شکم زیاد میشود چنانکه در ورم غشای آبدار میشود بعد اسهال با منصف مزجیه که
و وقت بول کردن در راه کرده و مثانه درد سوزش محسوس میشود و گاهی قبل از آمدن قی گاهی بعد آمدن قی
خسب و تشنگی در مقلی پیدا میشود بسبب ورم که در کله مادت میشود و تشنگی غلیظ غالب میگردد و در چشم ورم سرخ
فغان پیدا میشود و نفس منیر و سرخ میگردد و در تنفس درد در استلاح مثل فرات البسبب ورم
پیدا میشود و قلق و اضطراب و ضعف زائد در بدن ظاهر گردد و در عضلات بدن تشنج و ازیت
مدره در عضله ساق پا زیاد حادث میشود و هم ارتعاش و ارتعاش در اعضا پیدا گردد اما فضل اکثر سالمین
ن اکثر در حالت کلا پس مبتلا شده مثل صاحب بیضه و بالی میسر و گاهی به یوشی جان تجویز

در بعد خوردن غذا تا از زنده ماندگاری اندیش و گاهی در کمزوری و ضعف اعضا و گاهی سبب در غایب و گاهی
 در صحت مبتلا شده باقی ماند و گاهی آنچه علامات که نوشته شده اند بسیار کثیر و قوی بیانشند مثل اینکه بی متعلق
 می آید و میوکس کیمین دهن و حلق متورم و سرخ میگردد و چهره سرخ میباشند و اسهال که میشود با منقش
 بود و همراه آن خون هم می باشد و اینها با این علامات انیت و علامات اعراض عصبانی هم مثل تشنج عام
 که در صبح پا درگز از بود حادث میشود و در آن مرض بکاک گردد یا نجات یابد یا با شدت اعراض نهی این
 شده بعد آن مرض بهبودی شده بکاک میگردد و گاهی از اول بعد خوردن آن علامات انماز و ماغ زیاد پیدا
 میشود و همراه آن قی و اسهال میباشند لیکن جلد بدن سرد و تر و نفس بسیار ضعیف و بطبی و در کاین قیقه از قی اول
 باز زیاد حرکت نکند و هم حرکت آن بدستاری محسوس میشود و در همین حال گاهی حرارت بدن تشنج میشود که از بلغت
 اگر قوی برپا کشن نامزد لیکن بعد از تسبیر زوال نپز و باقی نماند و درین صورت در حالت کلا پس مرض
 مبتلا شده همیشه و گاهی از اول در حالت کلا پس مبتلا میماند لیکن همراه آن قی و اسهال هم غالب یا شند و در
 وقت باز یسه و باالی التبس میشود اما این مرض نسبت به مرض بیضه و باقی در مدت قلیل مثل چهار پنج ساعت
 بکاک میشود اما مبتدیگان میگویند که شاید هم الفار خورده بود و از آن بکاک شده و صورت خامس بکاکت مرض
 خوردن آن انیت که بعد خوردن آن بر مرض سبب قوی طاری گردد و از آن پیش میشود و بی آنکه قی و اسهال
 عارض شود در همین حالت بیوشی که مثل نوم قوی بود بکاک میشود و عجیب است که هر که این حال مبتلا شده
 میزد چون شکم آنرا بعد مردن چاک کرده می بینند در میوکس کیمین معده یا اسعای آنهم ورم و آثار اجاع
 خون یا قیقه نمیشوند و از آن دانسته شده که درین صورت شاید هم مذکور خون در غل شده فوراً در عضو دیگر
 مثل دماغ یا قلب میرود و آنجا رسیده جمع شده بکاک میزند و چون که از آن انماز و ماغ پیدا میشود و بسبب آن
 قوت عصبیه ضعیف میگردد و بسبب آن ریشه های تنبلی شکم و نیوماگاسک که در معده آمده اند هم ضعیف
 میشوند و از اذیت هم الفار متاثر می شود و از آنکه مردم از اذیت در معده و امعاء ورم پیدا میشود چنانکه هرگاه در
 مرگ بر بدن کسی چشمه از کشتاروس نماند از معده و اذیت که بسبب ضعف قوت عصبیه میباشد ورم پیدا میشود
 العلان آنچه در علاج عام نوشته شده اول از بعد خوردن عمل از زنی قی کنند و اسهال پندار و معده آنرا
 از آب ساده خوب بنشیند اگر چه این زهر خود اکثر پیدا کردن قی و اسهال از معده خارج میشود من بعد آنچه
 شایق است آنرا که زهر نشانند مثلاً با میزد میزد منشن کون او کسانیز آف آف این یا ایستاده آف منشن کون او
 او کسانیز آف آف این یا با میزد میزد او کسانیز آف این میگذرند یا کسانیز میگذرند یعنی چکنشای قییل یا
 از شیل چاک کون یعنی زغال جوانی پس ازین ادویه بچکانه هر آنچه میسر شود از آن از نیم اوش تا دو اونس در

در بعد خوردن غذا تا از زنده ماندگاری اندیش و گاهی در کمزوری و ضعف اعضا و گاهی سبب در غایب و گاهی
 در صحت مبتلا شده باقی ماند و گاهی آنچه علامات که نوشته شده اند بسیار کثیر و قوی بیانشند مثل اینکه بی متعلق
 می آید و میوکس کیمین دهن و حلق متورم و سرخ میگردد و چهره سرخ میباشند و اسهال که میشود با منقش
 بود و همراه آن خون هم می باشد و اینها با این علامات انیت و علامات اعراض عصبانی هم مثل تشنج عام
 که در صبح پا درگز از بود حادث میشود و در آن مرض بکاک گردد یا نجات یابد یا با شدت اعراض نهی این
 شده بعد آن مرض بهبودی شده بکاک میگردد و گاهی از اول بعد خوردن آن علامات انماز و ماغ زیاد پیدا
 میشود و همراه آن قی و اسهال میباشند لیکن جلد بدن سرد و تر و نفس بسیار ضعیف و بطبی و در کاین قیقه از قی اول
 باز زیاد حرکت نکند و هم حرکت آن بدستاری محسوس میشود و در همین حال گاهی حرارت بدن تشنج میشود که از بلغت
 اگر قوی برپا کشن نامزد لیکن بعد از تسبیر زوال نپز و باقی نماند و درین صورت در حالت کلا پس مرض
 مبتلا شده همیشه و گاهی از اول در حالت کلا پس مبتلا میماند لیکن همراه آن قی و اسهال هم غالب یا شند و در
 وقت باز یسه و باالی التبس میشود اما این مرض نسبت به مرض بیضه و باقی در مدت قلیل مثل چهار پنج ساعت
 بکاک میشود اما مبتدیگان میگویند که شاید هم الفار خورده بود و از آن بکاک شده و صورت خامس بکاکت مرض
 خوردن آن انیت که بعد خوردن آن بر مرض سبب قوی طاری گردد و از آن پیش میشود و بی آنکه قی و اسهال
 عارض شود در همین حالت بیوشی که مثل نوم قوی بود بکاک میشود و عجیب است که هر که این حال مبتلا شده
 میزد چون شکم آنرا بعد مردن چاک کرده می بینند در میوکس کیمین معده یا اسعای آنهم ورم و آثار اجاع
 خون یا قیقه نمیشوند و از آن دانسته شده که درین صورت شاید هم مذکور خون در غل شده فوراً در عضو دیگر
 مثل دماغ یا قلب میرود و آنجا رسیده جمع شده بکاک میزند و چون که از آن انماز و ماغ پیدا میشود و بسبب آن
 قوت عصبیه ضعیف میگردد و بسبب آن ریشه های تنبلی شکم و نیوماگاسک که در معده آمده اند هم ضعیف
 میشوند و از اذیت هم الفار متاثر می شود و از آنکه مردم از اذیت در معده و امعاء ورم پیدا میشود چنانکه هرگاه در
 مرگ بر بدن کسی چشمه از کشتاروس نماند از معده و اذیت که بسبب ضعف قوت عصبیه میباشد ورم پیدا میشود
 العلان آنچه در علاج عام نوشته شده اول از بعد خوردن عمل از زنی قی کنند و اسهال پندار و معده آنرا
 از آب ساده خوب بنشیند اگر چه این زهر خود اکثر پیدا کردن قی و اسهال از معده خارج میشود من بعد آنچه
 شایق است آنرا که زهر نشانند مثلاً با میزد میزد منشن کون او کسانیز آف آف این یا ایستاده آف منشن کون او
 او کسانیز آف آف این یا با میزد میزد او کسانیز آف این میگذرند یا کسانیز میگذرند یعنی چکنشای قییل یا
 از شیل چاک کون یعنی زغال جوانی پس ازین ادویه بچکانه هر آنچه میسر شود از آن از نیم اوش تا دو اونس در

در وقت اول آب ساده یا محلول نیم اونس دوای مذکور در دو اونس آب ساده حل کرده هر قدر که ممکن است در وقت خواب
 بر می نوشانند و تقطیل مقدار آب نسبت دوا اینجا بنا بر آنست که تا دوا غلیظ باشد و بسبب غلط خوردن هر قدر که در وقت خواب
 رفته همراه خود در تنی خارج سازد و باید دانست که از این دوی مذکوره باقی در پیوسته او کسایه و آفت میگذشتند از ادویه
 دیگر افضل در نفع است و طریق ساختنش اینست که هر گاه کسی هم مذکور خورده باشد در آن وقت فوراً گسب بند
 سکنجین یا سلفاس یک دو اونس و آنرا در آب ساده حل کرده در آن لاگرمی یا سکنجین چندان بیاندازند تا باقی در پیوسته
 زیر گشایشی جدا شده و نشین گردد و میگذشتند سلفاس در آبیکه بالای آنست محلول مانده پس این آب را در زیر
 نب دیگر در آن انداخته خوب حرکت دهند تا باقی میزد و صاف شود بعد آن از حرکت یک باز در تات نشین گردد و
 بعد به نشین شدن آن آب را هم دور کرده دوای مذکور را در حالیکه طلب باشد با آب صاف دیگر آمیخته
 در این قدر یاد در اندک تریاق عمل نماید و در وقت نوشته شده و اندامها را چندان بنوشانند که تا از دست
 نماند تا پدید آید از مقدار یک تم الفار خورده است که در بدن نماند باقی آنچه اعراض از قسم درم دارد و غیره که بعد از نوشی
 پیدا میشود اگر پدید آید موافق هدایت علم علاج هر عرض و منبر تا بر وقت گذشت که اما هم راجع از عموم
 هشتگانه مذکوره که از نغمی است یا مرکبات آن پس بدانکه از نغمی همیشی معدنی است که از جبال آید مثل سنگ سیاه
 در آن سر سازند بر می آید چون عمل کیمیائی اجزای آنرا جدا میکنند از آن کبریت هم بر می آید و از آن است
 میشود که در شیمی معدنی مذکور از نغمی و کبریت هر دو میباشند پس آن بلفریت آفت از نغمی است و از آن نغمی
 جدا ساخته در علاج مرضی بطور و با استعمال می آید و از آن سه دوا ساخته میشوند تا در این یک و پلو نغمی
 و بس پس پودر از این هر سه ز پایه در کار زهر بد و ضحان تا در این یک با استعمال می آید و در جگر آنکه
 آن فی نفس زهر قوی است دوم آنکه در آب داخل شده هم رنگ آب میگردد و که ام رنگ خاص میکند چنانکه از حل کردن
 پلو نغمی و بس پس پودر در آب رنگ آب سفید میشود و اگر چه گاهی از نوشانیدن دیگرین آن هم در حال صحت بسبب
 مقدار خاص مزاجی آثار هم نوشی ظاهر میشوند لیکن اکثر آنست که از خوردن پلو نغمی شش کردن آن آثار زهر نوشی
 پیدا میشوند و یک در آن بالضرورت قائل است اگر در بدن مانده اما در امراضیه مثل ورم پسر گاهی دو دو گرین آن
 بعد چهار پنج ساعت میخورانند و لیکن از آن کدام ضرر بسبب قوت مرض پیدا نمی شود و تا در این یک را چون بطور
 مرهم یا ضماد بر جلد بدن نهند از آنهم بعد دخل آن در خون آثار زهر نوشی پیدا میشوند با کمال اگر آنرا یکبار بمقدار
 شیر نوشانند از آن علامات قوی بطور کیوت پیدا میشوند و اگر تقطیل قلیل از آن بامدت دراز نوشانند از آن علامات
 فحیفه بطور مریض و گرانیک حادث میشوند لیکن چونکه از خوردن آن مقدار زیاد اکثری غالب شده زهر
 مذکور همراه آن خارج میگردد و لهذا اکثر کسیکه آنرا باراده قتل نفس می دهد مقدار قلیل تا مدت دراز میخورد و کمال

چون که مقدار حرارت زیاد می شود اول بفروردین آن ذائقه فلزات مثل آهن و مس در بدن پیدا می گردد و همراه آن حرارت و سوزش در بدن خلقی حادث می شود و هم منقذ در در گلو حادث گردد و چنانکه از دم خفیف در در گلو می شود و بعد آن تریع شروع شده و بی جاری می گردد و در حده در و پیدا شد فور حمله شکم خام می شود و چون از خارج عمر کند این دو زیاد محسوس می شود و بعد آن بر و بدت یسیر اسهال کمال قوت و شدت جاری شده حالت کلاپس پیدا می شود و درین حالت مریض میبرد و گاهی پیش از حالت کلاپس علامات تضرر محسوس مثل تشنج و کران با تیران پیدا شده بعد آن کلاپس حادث شده در آن مریض هلاکت می رود و گاهی بعد خوردن مقدار نا نا آن اول از هم بیوشی پیدا می شود و گاهی از زیاد خوردن نار اثر انگلیستی و تهر تا یک ساعت یا دو ساعت حادث می شود و از خوراندن مقدار قلیل فوری می یابد اما اگر مقدار قلیل از آن تا مدت دراز بنوشانیده شود پس از آن تهر و بیوشی قوی می آید و اسهال هم جاری می شود و ضعف کمزوری و لاغر می در بدن حادث شده و روز بروز این اثرات ضعف زیاد می گردد تا اینکه مریض میرد و علاج اول علاج عام می آید بعد تر باقی اثرات بنوشاننده و مدتی تا آن تک که سکنه است که از دست درام تا یک اونس از آب ساده که از دواوش تا چهار اونس باشد حکم کرده بار بار بعد هر قی بنوشانند و اگر موجود نباشد یا نوشنده از تخمین ضرر بود سفوف بارک یا مطبوع بارک را از چهار تا شش اونس یک یک بار کر بنوشانند و اگر آنهم موجود نباشد پس هر دو را یکی که در آن زمان تک باشد مثل گندم سفید یا مازوی سبز از آن مطبوع درست ساخته بنوشانند و در علامات کرانیک مزمن خفیف چنگکونا مادویه دیگر مقدار قلیل بنوشانند تا مدت راز بدهند و بعد زوال علامات زهر نوشی علاج تقویت بدن و تنبیتی نماید و رفتن که از کام شامس از سموم هشتگانه مذکور که مزین است و از اینست انگلش که کوبی و طغیت لاشن استنداج ارم و بغاری سیاب گویند و آن مادام که خالص و مفرد مانده خود سم نیست اما هر گاه با او سم آمیزند تا او کسائید گردد یا با کلورین آمیخته شود پس اگر کیمبه سیاب و کیمبه کلورین هر دو مساوی الیون مرکب کرده شود از آن کلول پیدا می شود و اگر سیاب کیمبه و کلورین دو حصه در ترکیب باشد از آن سیکو حادث می شود که از ابالی کلوراید آن مرکب می گویند و درین صورت سمیت زان پیدا می شود با کیمبه مرکبات آن کثیر اند لیکن آنچه از آن کار ادویه و اول صناعت می آید چند اند اول آنما کلوراید است که آنرا کیلویل خوانند و دوم بای کلوراید یعنی کازر ژوفت سبب لیم است و آن جوهر سیکو است که از رسکپور آورده می شود هر گاه عمل کیمیائی کلورین و آب غیره اجسام را از آن جدا سازند شوم ایونیا کلوراید که آنرا باگریزی و ایونیمیری می گویند هم گویند چهارم رسکپور کسائید یعنی با کسائید ارم او کسائید هم در بعضی سرخ گویند گاهی بی بی است اینهمه گویند پنجم سلفا سیک که آنرا برلی شجر و بلغت انگلش سبب گویند و از این همه آنچه کانه نوشی سے آید

ای کلوراید

ی کلور را میزدند که بوی است یعنی رسپیور که رنگ آن سفید است و در همه حل میگردد و هم مقدار
 بل آن ملک است حتی که سینه گرین آن در اطفال و زیاد از آن در جوان و کبار قابل است نه با بد و ضعیف
 در با ناده قتل نفس میخورند و گاهی مقدار کثیر آن بطور غفلت اتفاقاً خورده میشود و بسبب ایجاد تی
 شیر خود هم از معده خارج میشود و خون از بلاکت محفوظ میماند الملامت هرگاه مقدار کثیر از آن خورده شود
 بد مدت یسیر بر خوردنش بد مزگی و ذائقه فلزات در دهان پیدا میشود و در گلو و مری معده تنگی و سوزش
 مسوس گردد و بعد آن در معده درد پیدا میشود که از عمر کردن این درد زیاد میگردد و بعد آن قی و همال
 باری و در قی بنغم و صفرا خارج میشوند و گاهی خون هم مختلط با آن می آید و بعد آن در وقت تمام شکم مثل
 در درم غشای آبدار خام میگردد و هم ز قلع شکم پیدا میشود و اسهال با درد و منغص و زجیری آید که ادران
 مقداریت زیاد محسوس میشود و بول بقل و در شواری می آید و گاهی مطلقاً بول در گرده پیدا نمیشود و
 ای تب شدید و آثار حرارت مثل سرخی و چه پیدا میشود اما اکثر آنست که بعد اسهال آثار حالت کلا پس که مند
 آثار حرارت اند و بر قلت حرارت و کثرت ضعف دلالت میکند. عادت میشود و گاهی علامات تضریعصاب
 مثل تشنج عضلات یا ارتعاش که آنرا کانوشن گویند پیدا میشوند و اگر این مریض دو سه روز بعد خوردن سم
 یکور زنده ماند قلاع یعنی جوشش درین پیدا میکند و هم ر عشه در اندام آن ظاهر میشود بسبب کمزوری
 و ضعف نخاع و دماغ العلاج اول علاج طمعی آورده و بعد تریاقات حله از بنوشانند مثلاً سفید بیضه مرغ را همراه آب
 حل کرده مکر بنوشانند یا شیر از آرد گندم بر آورده همراه آب ساده حل کرده بنوشانند یا آبن با هم محق کرده بنوشانند
 تر از زده گرین تا پانزده گرین همراه آب صمغ عربی فلتا القوام حل کرده بنوشانند همچنین صمغ طلا را با هم ساییده سفوف
 آنرا از پنج گرین تا ده گرین آب صمغ عربی حل کرده بار بار بعد هر قی بنوشانند و باید دانست که ازین تریاقات
 سفید بیضه مرغ از همه افضح و افضل است و هم همراه آب ساده خوب مخلوط میشود پس آنرا آب ساده خوب حل کرده مکر
 بنوشانند و اگر موجود نباشد یا سموم که در این سبب بر خوردن آن دراضی نشود چنانکه نبود اکثر شیخوارند درین وقت
 شیر تازه آب آرنج هر قدر که بنوشد مکر بنوشانند و اگر اینهم موجود نباشد آرد گندم آب ساده حل کرده مکر بنوشانند
 تا اگر قلاع پیدا شود مریض را در مکانی که بهایش سرد باشد دارند و سهل خفیف بنوشانند و بعد آن کاشن را
 زیاد بنوشانند و شب بانی یا کاک عام یا هر دو را با هم در آب ساده حل کرده از آن غرضه سازند و همچنین باغچه و کلاست
 پیدا شود از علاج خام سم دیده بکار کش فرمائید و بعد زوال اعراض سم علاج تمدنی نمایند اما سم ساقس
 از سموم تنگنا که که که اسرپ است عازرا لغت اگر نری نید و فاری سیه گویند و آن خود هم ضعیف است بکار
 زهر نوحی کم می آید لیکن اتفاقاً از مرکبات آن گاهی کلاره لوشن یعنی اگر بنوشانی یا اسهال یا کلاست

سودا مقدار زیاد خورد می شود و اگر چه این هم ستم ضعیف است لیکن هرگاه مقدار کثیر خورده شود مثل اینکه کسی زردی گرین تا یکدو درام بلنبالی اسپیش را بخورد اذان علامات زهر نوشی پیدا میشوند العلامات اول سوزش و درد که از نخس ابره پیدا میشود و در گلو حادث میگردد و تشنگی غالب باشد و قی هم می آید و در نوشی و شکم حادث میشود و از غم کردن شکم اذیت زیاد میشود و تبض شدید پیدا میگردد و عضلات ساق با تشنج پیدا میشود و عرق بلدی آید پس اگر در مرض لائق مردیت در آن تشنج عام بدن دم که از عارضت گردد و تا اینجا بیان علامات قویه بوده که از یکبار زیاد خوردن آن حادث میشوند و اگر از مزاج اوله ظروف ساری اسرب یا از نوشیدن آبی که در ظرف اسرب می آید و یا از خوردن اغذیه و آشپزهای که در ظروف تین کج آنها از اسرب بند کرده باشند تماده می فرود شد اجزای اسرب پیوسته است در مدت دراز اندرون بدن کسی داخل شده باشد و اذان امراض مثل فالج اسرب یا قویج اسرب پیدا شده باشد پس اگر چه بیان آن در فالج اسرب که آنرا الیثا بالتری گویند کرده شده لیکن بنا بر مزید اهتمام بآن نوشته میشود که همه علامت آن نیست که بر سر عمود که لحم گردند است خنک سیاه رنگ یافته میشود و آن اجزای اسرب پیوسته اند که بزیر خون زنجار سیده منجم میشوند العلامات اول بعد خوردن آن علاج علم نمایند تا زهر از معده خارج شود بعد تریاقات خاصه آنرا بنوشانند و عمده آنها سلفیت آف سوڈا یا سلفیت آف میگنیشیا است پس هر آنچه از این ادویه میسر شود از آن یکدرام تا چهار درام حسب مناسبت گرفته همراه آب ساده که از شبت افش تاوه افش باشد حل کرده باز بار بعد هر قی بنوشانند و اگر بعد بنوشانند آن قی خود نیاید بعد بنوشانند و آنک از شنج گرین تاوه گرین در آبیکه تابست وقت مقدارش بوده باشد حل کرده یکبار تا تمام بنوشانند تا قی آید و اگر بر اینهم قی نیاید آب گرم بالای آن بنوشانند تا قی آید پس اگر باقی نیاید بزیر لیس استمک پنپ معده را از زهر پاک سازند و مادام که عوارض هم باقی است بنشین بعد علاج عام تریاق آنرا اول بنوشانند بعد آن باقی کنانند از استمک پنپ معده را صاف سازند و ایضا سفیده بینه مرغ همراه شیر تازه حل کرده چند آن که مرض بنوشد بار بار بعد هر قی بنوشانند نافع است و هرگاه در قویج اسرب درد شدید بود و در سر گرین افیون برای کم کردن حس عوارضین مفید است و اگر در اینجا افیون را با مسهل است که تریاق هم مذکور اند مثل سلفیت آف سوڈا یا میگنیشیا سلفاس آمیخته بنوشانند بهتر است و هرگاه قبض زیاد بود بعد بنوشانند مسهل براسه اعانت آن حضرت از آب گرم دهند و هرگاه علامات بخوردن اسرب که آنیک و ضعیف باشد و مثل ایث مثل سائیکال ایث یا اسنج معمولت که در فواکه عامضه مثل نارنگی و اولوی بخار را و تر نهدی می باشد بنوشانند آن مفید است چه بزیر لیس آنها اسرب بزودی و بهسولت از بدن خارج میشود همچنین در اینجا

در علاج زنجار اسرب

باید

سلفیوک ایستد و انکوٹ نوشتانیدن بسیار مضر است و بهترین اودیه درین وقت ایوژا میگذشت است که از آنج گوت
 داده گرین آنرا روزانه سه بار بمرض نوشتانند و از زیاد مقدار آن اینجا خوف پیدا شدن علامات سیم نکنند زیرا که
 اینجا ایوژا ایستد با سرب آمیخته پلنها ایوژا ایستد شده بسوخت و در اول خارج میشود و تاثیر می ازان در بدن ازین است
 نمیشود باقی علاج تقویت و تکمیل صحت نمایند این که در این اسیر بود بر کرده در هوای صاف
 برعدا ما سیم مضتم از سموم مشکانه نیکوره که مس است و آنرا کوپز با نگر زپی مینامند پس آن خود در هر نیست
 و نه بدو وضعت آنرا کبسی بخوراند لیکن هرگاه از ترکیب اجزای دیگر که سبب آفت کوبه پاکارینت کوبه پارسلیت
 یا اسپیت کوبه میشود آنزمان در آن سمیت حادث میشود و ازین مرکبات اریو سلفیت آفت کوبه یعنی توتیا
 و سیتیش کوبه و آن رنگار است که از نهادن استمای رطبه در ظرف مس غیر قلمی اریو پیدا میشود و کجا رادویه
 می آید و گاهی اتفاقا کسی آنرا اینورده خود باین طوری که آنچه از نهادن اغذیه در ظرف مسی ناصاف پیدا
 شده بود همراه غذا در معده میرود و کک اگر چار یا سرکه در ظرف مسی نهند در آنهم ایستد کوبه پیدا میشود و رفته رفته
 همراه غذا در بدن فست جمع میشود و چون در بدن زیاد جمع گردد تاثیر آن ظاهر میشود لیکن درین وقت علامات
 آن گرانیک میرا شد و نواه کسی بطور نیکوشی میخورد و درین وقت علامات حاده پیدا میشوند و علامات هرگاه
 حادث و کیوت باشد بعد خوردن زهر مذکور از پانزده دقیقه تا مرور نصف ساعت در شکم مثل درد قوسه
 پیدا میشود و همراه آن تب بود و بعد از آن تبی آید و مایع ج فی الحقی بزرگ سلیخی یا سبر رنگ تو تپا میباشند
 و بعد آن اسهال جاری میشود و در مسئله سالی پاشنج بقوت حادث میشود و در بدن تشنج عام مثل کانهوشن ظاهر
 میگردد و گاهی کزاز پیدا میشود و زمانی بیوشی بر مریض طاری گردد و گاهی در این حال یرقان هم حادث میشود
 زیرا که مس بر عکز زیاد مؤثر میگردد و علاج بعد علاج عام در علامات داده تر باقات خاصه آن نوشتانند
 و بهترین آن سفیده بیضه مرغ یا سفید آهن است که از ساندین با همی صغایح آن حاصل میشود پس ازین دو دوا آنچه
 میسر شود آنرا آب صغ علی حل کرده مقدار کثیر ازان نوشتانند و سفید بیضه افضل است از آهن پس اگر بعد
 نوشتانیدن مقدار زیاد آنهم قی خود نیاید برای اعانت آب گرم نوشتانیده فی کثرت تا بر آمدن فی معین شود
 و اگر ازین قی نیاید و ای مذکور را بار بار نوشتانند و بعد هر بار شکم پنبه را در معده داخل کرده از آب سرد خوب
 معده را بشویند باقی آنچه شکایت پیدا شود و علاجش پردازند مثلا اگر در زیاد بود اقیون خوراندند و اگر
 قبض زیاد باشد سهل مخرج صفر نوشتانند و اگر تشنج پیدا شود اودیه مافعه تشنج مثل بروما میگذشتانند و اگر
 علامات تخیفه بطور کرا نیک باشند پس اول اهتمام در دفع سبب نمایند مثلا اگر از خوردن اغذیه که در ظرف
 مسی ناصاف بوده باشد پیدا شده باشد تا کمی کنند که بر ظرف مسی که در آن اغذیه مینامند قلمی کرده شود

و غذای ناسد را از خوردن منع کنند و روزانه مقدار قابل از سفیده پیچیده یا از سفوف آهن مذکور آب
 صیغ عربی حل کرده بنوشانند تا ششم از عموم شکایت مذکوره از معده بیات که چند چیز از مثل حبس و تبین و غیره چنانکه
 بیشتر مذکور شد پیش بیا که اولی است که آنرا بخت انگریزی رنگ میگویند خود زهر است لیکن در کتاب
 آن رنگ سفاس رنگ کلو یا نیدا البته از عموم اند و چون که سلفت آت رنگ از سفید آن میگوید است
 از این جهت مقدار زیاد از آن گاهی از سه و خود با از سه و اسازان نوشته میشود و از آن علامات زهر نوشی
 سم مودی پیدا میشود و گاهی در بعضی امراض برای قی گناتین چون سلفت آن رنگ است گرچه نشان
 از آنهم قی که از علامات زهر نوشی است با علامات خفیه دیگری آید لیکن از آمدن قی سمیت آن زایل میگردد و گاهی
 در معده حبس است گرچه روزانه سه بار در بعضی را تا دو سه هفته این دو نشانیه میشود لیکن بسبب طلب
 خصوصیت مزاج غرضی که در حال مرض پیدا میشود علامات زهر نوشی ظاهر میگردد و باطل چون مقدار زیاد از آن
 نوشته شود از آن اول در دهن ذائق تلخ و خشکی در دهن حلق پیدا میشود و تشنگی غالب میگردد و قی می آید بعد آن
 اسهال جاری میشود علاج اول علاج عام نمایند از آن قی خود این دو از معده خارج میشود من بعد بقی
 حاضر آنرا بنوشانند و آن سفاس است که بیکه همراه آنرا آورده او نس آب ساده حل کرده بعد آمدن بر
 اول بنوشانند و بعد آن شیر آب ساده حل کرده بنوشانند یا سفیده پیچیده محلول باب را بار بار بنوشانند که
 آنچه ادویه در آنجا است یعنی قوت قابضه متعوی است مثل چاپی و دمازوی سبز و بارک آنها را با آب ساده
 پیچیده بعد خوردن حبس بنوشانند قائل سمیت است باقی آنچه شکایات که پادشوند باقی مانند تارک آنها
 از علاج عام نمایند اما مرکب ثانی آن که کلو را نیدا است و آنرا آب حل کرده برای از آن محفوظت و دیگر
 جراحات و غیره با استعمال می گردد چون آب حل ساخته در بول داشته باشند کسی از آب ساده دانسته بنوشند
 از آن علامات زهر نوشی سم مودی و مولد جراحی مثل علامات خوردن هم الفار یا رسپور پیدا میشوند و علامت
 ثانیه است که در علاج سلفت آن رنگ نوشته شده و ثانی آنها این است که آنرا بخت انگریزی است ششم گویند
 و آنهم خود زهر است لیکن از مرکبات آن است ششم کلو را نیدا است ششم بر کلو را نیدا هر دو زهر اند که سلوشن آن
 هر دو در ولایت بکار می ریزان می آید که از آن رنگ بر جامه بچینه میگردد و چون کسی از این سلوشن بنوشد
 از آن علامات زهر نوشی سم مودی پیدا میشوند و علامت همان است که در علاج عام مذکور شد و سوم از آن
 نقره است که آنرا بخت انگلش سلور و در لغت لاشن اگر جنتیم گویند و آنهم خود سم نیست اما از مرکبات آن
 نامرسلور کاسک نقره است البته زهر است و آنرا در لغت لاشن اگر جنتیم فیلس گویند و آنهم اتفاقا آورده
 داخل میشود مثل اینکه که امم و شکار اصل آنرا بر زخم گوی کسی میخواهد که نمند و از غفلت قطعه آن است و در

برود پس بعد از آن علامات زهر نوحی هم رخ کند و حادث میشوند و علاجه اش آنست که بعد علاج عام با
 حاصل ناز که تکست در آب حل کرده بار بار نوشاند و لیکن ناز که اگر این آب گرم بود بهتر است تا معین
 بر آمدن قی شود و چهارم از آن صدید است که آنرا بفارسی آهن و با بگری می فرم گویند و آنهم خود زهر نیست
 لیکن از مرکبات آن سلفت آن آهن و کلر را میداند آهن که بکنج استیل است زهر و قوی اند که از زیاده
 نوشیدن آنها علامات زهر نوحی زهر مودی پیدا میشوند و بکنج استیل در علاج مرضی بطور ادویه نوشانیده میشود
 بالجمله چون مقدار زیاد از آن نوشیده شود علامات زهر نوحی پیدا شوند درین وقت باید که از علاج عام
 تدارک نمایند بجم از آن بسته است و آنهم خود زهر نیست لیکن از مرکبات آن که بسته ناست اس است که آن را
 بسته نرس ناستراس و بسته سبب ناستراس هم گویند و چون که بطور سفوف میباشد این گاهی بسته آب آینه سفید
 ناستند بالجمله گاهی چون بطور نرس کسی آنرا آرد گندیم و بسته زیاده بخورد از آن علامات زهر نوحی
 پیدا میشوند و چون کسی آنرا از نیم اونس تا یک دوازده بخورد بلاک میگردد و علاج عام است
 ششم از آن که زخم است که کار رنگریزان و رنگسازان می آید و آنهم خود زهر نیست لیکن از مرکبات آن که گوشت پها
 که از آن رنگ نارنجی ساخته میشود البته زهر است و در او قی مرضی برای پیدا کردن زخم در جلد یا برای قطع کردن
 مسه بطور تپاس فیوزا با استعمال می آرد و بدیده خوراندن حیوانات تجربیه ثابت شد که اگر کم دهند تنها ازیت در
 معده پیدا میکند و اگر زیاد خوراند زخم هم از آن حادث میشود پس اگر ازیت محض پیدا کرده باشد علاج ازیت
 کنند و اگر زخم هم پیدا کرده باشد علاج زخم چنانکه در علاج رسپور و سم الفار نوشته شده نامیند
 فصل پنجم در بیان نوع دوم از انواع نازیه سبب نازیه شش است بر چند بیان بیان اول
 در تعریف و اقسام آن چنانکه نازیه نازیه نون و سکون الفصد ای مکه فتح کاف و سکون الف و کسری نازیه
 فوقانی هندی و سکون کاف لغت انگلیسی است یعنی کم کننده خون و نوز و حرکی عضلات و آن عام است ازینکه
 منجی و غلیظ باشد نیز فیون و کاهو یا سیال قستی بود مثل هایدر و سیانک ایسه و غیره و افراد آن هم چندند
 بالاستقصا اول آنها فیون و هایدر و سیانک ایسه و آلکونین و ایس و کلار قام و لاک چو کایسی که بود و دوم در آنها
 اشیای بستند که در آن اجزای هوا سبب از سوختن زغال پیدا شده باشند و آنهم چند اند اول آنها آنست که
 در آن اجزای هوای باکسیجن باشد مثل کاربانک ایسه یا کاربانک ایسه که سبب زهر است که در آنها اجزای هوای اند
 که از سوختن زغال پیدا شده اند دوم آنچه در آن اجزای هوای کبریتی همراه با سیدر جن میباشد که سبب نازیه
 و آنرا سلفری نیز هایدر و جن میگویند و این همان هوای غرض است که از متعفن شدن بیضه پیدا میشود و سوم زهریست
 که در آن هوای زغال هایدر و جن بود که آنرا کاربانک ایسه یا سیدر و جن نامند و این همان هواست که از زمین نازیه

فصل پنجم در بیان نوع دوم از انواع نازیه سبب نازیه شش است بر چند بیان بیان اول در تعریف و اقسام آن چنانکه نازیه نازیه نون و سکون الفصد ای مکه فتح کاف و سکون الف و کسری نازیه فوقانی هندی و سکون کاف لغت انگلیسی است یعنی کم کننده خون و نوز و حرکی عضلات و آن عام است ازینکه منجی و غلیظ باشد نیز فیون و کاهو یا سیال قستی بود مثل هایدر و سیانک ایسه و غیره و افراد آن هم چندند بالاستقصا اول آنها فیون و هایدر و سیانک ایسه و آلکونین و ایس و کلار قام و لاک چو کایسی که بود و دوم در آنها اشیای بستند که در آن اجزای هوا سبب از سوختن زغال پیدا شده باشند و آنهم چند اند اول آنها آنست که در آن اجزای هوای باکسیجن باشد مثل کاربانک ایسه یا کاربانک ایسه که سبب زهر است که در آنها اجزای هوای اند که از سوختن زغال پیدا شده اند دوم آنچه در آن اجزای هوای کبریتی همراه با سیدر جن میباشد که سبب نازیه و آنرا سلفری نیز هایدر و جن میگویند و این همان هوای غرض است که از متعفن شدن بیضه پیدا میشود و سوم زهریست که در آن هوای زغال هایدر و جن بود که آنرا کاربانک ایسه یا سیدر و جن نامند و این همان هواست که از زمین نازیه

بیان دوم در علامات و امارات آن مومنا

و در چاه کنند و هم در معدن زغال پیدا میشود و ماده بالبر است و ایضا باید دانست که سم این قسم ثانی موسوم به نازک است
و بالذات بر دماغ و نخاع مؤثر میشود و معنی از آن بر دل و ریه هم مؤثر میشود مثل اسید و سیاه که سیاه پیمان و در علامات و امارات آن
العلامات چون این قسم زبر خورده شود خراشیدگی یا بدریه خوراندن کی پس مومنا آنچه از آن پیدا میشود
اول دران سر است و نقل است و هم در در سحر حادث گردد و او از یاد در گوش مسموم میشود و بصارت ضعیف میشود
که بخوبی مریات را در اگر نیک بعد نوم و غم و دگر طاری میشود و عقل مختلط میگردد و کدورت در حواس پیدا میشود
که هیچ چیز را بخوبی نمی نهد و بعد آن بیوشی عارض میشود و در جات بیوشی کثیر اند و گاهی بعد بیوشی بدیان
و گاهی بعد آن فالج و گاهی بعد بیوشی تشنج عام از اذیت و ملغ و گاهی از اذیت نخاع تشنج خاص موسوم
بکمز از حادث میشود و ایضا باید دانست که تشخیص این قسم زهر بسیار دشوار است زیرا که آن اکثر تبس بر مرض میشود
لذا در بیان جزئیات فرق هم خورده و در بعضی بیان کرده خواهد شد انشاء الله تعالی و ایضا باید دانست که فرق در
علامات سم موزی که قسم اول است و در علامات سم مخدر که این قسم ثانی است آنست که قی و اسهال در قسم اول
از ابتدای خوردن آن پیدا میشوند زیرا که آن اول بر معده و امعاء و مثانه مؤثر میشود پس قی و اسهال از آن
جاری و حادث میشوند و در قسم ثانی این علامات در آخر امر یعنی قریب مردن یا قریب صحت و زوال علامات زهر نوزاد
یافته میشوند مثلاً درین قسم ثانی هر گاه از فالج قریب مردن درین مرض عضله مدوره مقعد مستقر میشود از زمان اسهال
جاری میگردد همچنین قریب صحت چون کسی زیاده شراب یا افیون زایه خورده باشد پس هر گاه نشانه آن کم
میشود و در طبع مالش پیدا شده قی می آید بالجمله مسموم قسم اول این علامات از اول یافته میشوند و در قسم
ثانی در آخر امر پیدا گردند و ایضا چون بعد مردن این مرض تشنج جسد آن کرده می بیند در معده و امعاء
اجتماع خون یا زخم یافته میشود چنانکه در مسموم قسم نوع اول میباشند بلکه در او دماغیه و در سایرینس دماغ
که آنهم جاری خون و غیره پیدا اند و مشابه اند با و در او خاصه بالجمله در دماغ و نخاع خون مجتمع یافته میشود و هم
در بطون دماغ یا بر غشای رقیق که موسوم است به غشای عنكبوتی آب زیاده مجتمع میباشند و گاهی خون از ورید
خارج شده بر دماغ یافته میشود و غالباً این است که هر گاه فالج دران پیدا میشود از منفر شدن دماغ زیر خون
و زیدی یا زهر آب بطون دماغ و غیره پیدا شده باشد العلاج اول علامت عام نماند از آوردن قی چنانکه
در علاج عام نوع اول نوشته شده خواه از نوشتن آب گرم یا از دادن آب کوانا یا از خوراندن
سلفط آن رنگ یا از نوشتن آب و نمک یا از تحریک انگشت زیر کام و اگر از نهجانی بخوبی نیاید
اشتمک پنبه را در معده داخل کرده معده را صاف کنند تا زهر از آن خارج شود و بعد آن بار بار
آب سرد بر رو بدن مریض بقیوت پاشند که از آن بار بار متاثری و متنبه شود و مریض را از خوابیدن منع کنند

بقوت و آثار رسائی هرگونه که ممکن باشد موشی زیاد کثاتند و از نیت رسانند تا خواب نکند و اگر حالت کلا پس
 پیدا شود اسپریت ایونیایر و پتاسک همراه آب ساده بنوشانند و اگر مختص از شراب باشد از ایونیایر با س
 آب حل کرده بنوشانند و هم ایونیایر با س بویانند و اگر از بیوشی لائق نوشیدن دوا نباشد درین وقت
 هم ایونیایر با س بویانند و بر بدن آن داک قوی سازند و پوشاک ماز پشانتاد و در آن خون
 بگرمی برظا هر بدن زیاده شود و خون در بدن منبسط گردد و جمع نماید و بسبب آن در مانع و تخلع کم شود و اگر
 وقت کم شدن قوت باطن و ضعیف شدن قلب چون مدامت از داخل کم میشود بسبب ثقل هوای خارج
 از غمز آن از خارج بدن قوی میگردد پس بسبب آن درین وقت در باطن بدن مثل ریه و جگر و غیره اعضا تخلع
 خون زیاده میشود لهذا اتهام در تشخیص ظاهری بدن زیاده کرده شود و آنچه تدبیر علاج غریق در امراض صدر
 برای در خسل کردن هوای خارجی در ریه از تحرک یک بدین مرض نوشته شده یعنی دستهای بیمار را بار بار
 بلند کنند و باز به پهلو و سینه آن کردند بالضرور باستمال آرنده تا هوای خارجی و اکسیجن بدریجه آن در پیش
 داخل شود و ایضا یک سوزن خیمه برقی را بر محسل نخاع نهاده نزدیک آرنه بر قلب یا بر ریه آن گذاشته حرکت
 داده صد مرتبه قوت برقیه بر این مواضع رسانند لیکن متصل صد مرتبه برقی را ز نه مرتبه رسانند بلکه بار بار بعد
 مرور مدت یسر رسانند و باز بر آن صبر کنند و باز بر ریه تحرک یک رنجیر مذکور صد مرتبه رسانند تا بار بار
 از آن مرض متاثری گردد و مسته شود و حرارت غریزی آن منتعش گردد و قوت برقیه بدین میزان قوی شود فتکاک
 بیان سوم در ذکر افیون که قسمی از آنست اما حیون که آنرا اومیم لمخت لاطن گویند و آن به نسبت
 سوم دیگر زیاده در کار زهر نومی که بطور خود کشی باشد می آید و مرکبات آن اکثر اند و افیون خود مرکبات آنهم
 بکار زهر نومی می آید لیکن لاؤم یعنی سنگ او پهای و مار فیا و افیون زیاده خورده میشوند و گاهی بد و ضعیف فیا
 را در آب طبعی کافی آمیخته باراده قتل دیگران را میخورند و اقل مقدار قاتل آن صدکیار چهارونیم گرم است
 و اگر ازین کم خورده شود بدرجه اهلک نمیرسد و طفلیکه هفت هشت روزه باشد از نوشیدن دو قطره لاؤم
 هم هلاک میشود و هم دیده شده که طفل چهارونیم ساله از خوردن نیکرین افیون هلاک شد بالجمله کسی را از
 مقدار طفیل آنهم ضرر شدیدی میرسد و کسی از خوردن مقدار زیادمان تا کمتر میشود و العلامات آنچه در
 علامات عامه این قسم هم نوشته شده اند جمله موجود میباشد و علامت خاص آن آنست که نقیه عنبیه شراب
 آن ضیق میگردد و ازین علامت یقین کرده میشود که افیون خورده است و اکثر در افیون خورده نقیه عنبیه
 هر دو چشم تنگ میشوند و گاهی در یک نقیه آن ضیق و در نقیه ثانیه وسعت هم میباشد و گاهی اشتباه واقع شود
 درین که مرض مسوم بسم افیون است یا مسکوت لیکن باید دانست که ضیق در هر دو نقیه چشم در افیون خورده

بیان سوم در ذکر افیون که قسمی از آنست

نوشیدن ریه و نقیه عنبیه علامت آنست که اکثر چشم مسوم از افیون است
 و اختلافت در ضیق و وسعت هر دو نقیه از علامت آنست که اکثر چشم مسوم از افیون است

از علامات اکثره است و در سکت به ندرت یافته میشود و در اختلافات حقیق و وسعت در هر دو چشم از علامات اکثره است
 است و بطور ثابته در افیون خورده یافته میشود و بهر حال وقت اشتباه قی گمانیده رخ شیب سازند چه از مایه نوح علی وجه
 هر گاه بوی افیون آید یقین به زهر نوشی حاصل خواهد شد بخلاف سکت که در آن رایحه افیون نیباشد علاج
 علاج عام اول حمل آرد و بعد دفع شدن علامات زهر نوشی بطیخ کافی که در آن قوت دوازده باشد نشانند
 و اگر بار فیا نموده باشد بعد علاج عام سفوف زغالک و عوام همراه آب ساده مکرر نوشانند فستق
 بیان چهارم در ذکر پائیدر و سیانک ایست اما پائیدر و سیانک ایست که املوت که از ابلت انگلش
 پائیدر و سیانک ایست بضم بای موحده فارسی و رای جمله سکون و او و کسر سین مملد و سکون کاف هم گویند
 و پائیدر سیانک ایست که از مرکبات آنست این هر دو زهر قوی هستند و اول گاهی بعمل گویای ساخته شده شود
 از فرود سانا پائیدر و سیانک ایست و از قرن و تخم و جلد حیوان و گاهی در بعضی و راقی درخت مثل برگ ساج هندی و گاهی
 در شکوفه و گل بعضی اشجار مثل گل لکھوت و گاهی در مغز تخم کدو تخم کدو تخم کدو تخم کدو تخم کدو تخم کدو تخم کدو
 و در بادام تلخ زیاده است حتی که در آب برگ آن هر گاه آزمودنی کرده نبوشانند هم موجود میباشد و چونکه
 پائیدر و سیانک ایست که املوت در علاج امراض پائیدر و سیانک ایست در کار مصوران فوئوگراف یعنی
 عکس کشی زیاده می آید لهذا اکثر هر دو دستیاب میشوند و کسانی که اراده خود کسفی داشته باشند از این دو
 و تجربه ثابت شده که از زیاده نوشیدن آب معصور برگ ساج هندی هم شخصی هلاک شده بالجمله از این هر گاه زیاده نبوشد
 مثلاً پائیدر و سیانک ایست که املوت را تا دو درام نبوشد بالضرورت هلاک میشود و اگر از ده قطره زیاده نوشد از آن
 آثار زهر نوشی قوی پیدا میشود همچنین اگر کسی پائیدر و سیانک ایست را زیاده از سگرین نبوشد از آن خوف هلاکت
 و علامات هلاکت پیدا میشود و اگر پنج گرینبوشد بالضرورت هلاک خواهد شد بالجمله اگر زیاده مقدار آنرا بخورد و بظهور
 گذشتن دو سه آن از انا که حصه کوچک دقیقه اند دوران سر پیدا شده مرض بیوش میگردد و در عالم بیوشی
 تنفس مثل تنفس باگی کشیده در پنج دقیقه هلاک میگردد زیرا که این زهر بر بنویم با گاشک عصب موثر شده آنرا مرده سازد
 و از مردن آن قلب و ریسترنجی و مفلوج شده از کار خود باز میانند پس از نبد شدن فعل قلب و ریبه هلاکت
 قوی میشود و اگر از مقدار نامذکور قدری کم خورده باشد که بسبب آن حیات تاوه و دوازده دقیقه ممکن باشد
 درین وقت بعد علامات سابقه هر گله آواز غلیظ پیدا میشود و در فکین تشنج ظاهر شده دندان زیر و بالا باهم
 میگردد و بعد که از هم ظاهر میشود و گاهی در اعضای بدن هم ارتعاش و ارتعاش عارض میشود و گاهی بولع برز
 فی اراده جاری میشود بسبب مسترخی شدن عضلات قابضه و جلد بدن سرد و سیاه میگردد و آب از دهن جاری
 میشود و اگر چندان قلیل نبوشد که بعد هلاکت نرسد درین وقت از آن تنوع و سیلان لعاب از دهن و زخم

بیان چشم مردم در ذکر پائیدر و سیانک ایست

در سکت